

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْبَلِيَّةُ

و گفت آنانکه نداشتند آرزو لقاء مارا، چرا نشد نازل بر ما ملائک

أَوْ تَرَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا كِبِيرًا ﴿۲۱﴾

یا نمی بینیم رب خود را. البته کردند تکبر بنفسهای خود و سرکشی، سرکشی کبیر\*

يَوْمَ يَرُونَ الْبَلِيَّةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ

روزیکه بینند ملائک را، نباشد بشارت در آن روز برای مجرمین و میگویند

حِجْرًا مَّحْجُورًا<sup>۲۲</sup> وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ

حجرًا محجوراً\* و اقدام کردیم بر آنچه عمل کردند، از اعمال آنها، پس ساختیم آنرا

هَبَاءً مَّنْثُورًا<sup>۲۳</sup> أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ

خاک پراکنده\* به اصحاب جنت آن روز بهترین مستقر و احسن

مَقِيلًا<sup>۲۴</sup> وَيَوْمَ تَشَقُّ السَّمَاءُ بِالْغُبَامِ وَأُنزِلُ الْمَلَائِكَةُ مُنْزِيلًا<sup>۲۵</sup>

قیلوله<sup>۲</sup>\* و روزیکه شود شق آسمان از ورای ابرها و شود نازل ملائک به پائین\*

(۱) حجرًا محجورًا: مجرمین گویند حائلی باشد بین ما و ملائک و ملائک گویند حائلی است بین شما و الله. (۲) قیلوله: (SIESTA)

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ ۖ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢٦﴾

پادشاهی است آن روز از حق از رحمان. و هست آنروز بر کافران عسرتبار\*

وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلِيَّتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ

و روزیکه میگذد ظالم دستهای خود را میگوید ای کاش می کردم اتخاذ با

الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾ يُوِيلَتْنِي لِيَتَّخِذُنِي فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾

رسول راهی \* وای بر من کاش من نمیگرفتم فلان را خلیلی \*

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ

البته کرد گمراهم از ذکر(الله) بعد آنکه آمد برایم. و هست شیطان برای انسان

خَذُورًا ۲۹ وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ

فریبگری \* و میگوید رسول یارب یقیناً قومم میگیرند این قرآن را

مَهْجُورًا ۳۰ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَ

مهجور \* و چنین ساختیم برای کل انبیاء دشمنانی از جمله مجرمین. و

كَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ

کافی است ربت راکه باشد هادی و نصیر \* و میگوید کسان کافر چرا نشد نازل

عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ۚ كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَ

براو قرآن جملهٔ یک بار. چنان است! تا ثابت سازیم باآن دل ترا و

رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿٣٢﴾ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ

رتل کنیم آنرا بترتیل<sup>۱</sup> \* و نمی آرند برایت مثالی الا می آریم برایت برحق و احسن

(۱) رتلنه ترتیلا: پیمانه به پیمانه فرستادیم آنرا و به بهترین پیمانه ترکیب کردیم آنرا.

تَفْسِيرًا<sup>ط</sup> ۳۳ الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ

تفسیری. \* آنانکه شوند حشر بر روهای خود بسوی جهنم، آنها اند

شَرُّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا<sup>ع</sup> ۳۴ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ

در شر مکان و گم از راه \* و البته دادیم موسی را کتاب و

جَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا<sup>ح</sup> ۳۵ فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ

ساختیم با او برادرش هارون را وزیری \* و گفتیم بروید نزد قومیکه

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ فَذُmrُنْهُمْ تَدْمِيرًا ۖ وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا

تکذیب کردند آیات مارا. پس تباه کردیم آنها را آنچنان تباه.\* و قوم نوح چون تکذیب کردند

الرُّسُلَ اغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ

رُسل را کردیم غرق آنها را و ساختیم آنها را برای مردم نشانه. و کردیم آماده برای ظالمان

عَذَابًا أَلِيمًا ۖ وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ

عذاب الیم\* و عاد و ثمود و اصحاب الرس و قرن های بین

ذَلِكَ كَثِيرًا<sup>۳۸</sup> وَكُلًّا خَرِبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ<sup>۳۹</sup> وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا<sup>۴۰</sup> وَ

آن کثیر \* و کل را زدیم برایش مثال ها و کل را هلاک کردیم بکلی هلاک \* و

لَقَدْ آتَوْنَا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا عَلَيْهَا السَّيِّئَ مَا نَحْسُ<sup>۴۱</sup> فَأَفْكَرُوا بِكَوْنِهِمْ

البته آمدند بر قریه که شده بود بارش بر آن بارش نحس. آیا نمیتوانند

يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا<sup>۴۲</sup> وَإِذَا رَأَوْكَ إِذَا اتَّخَذُوا

بینند آنرا. بلکه همواره ندارند توقع نشور را \* و چون بینند ترا نمیگیرند ترا

(۱) نشور: رندگی بعدی.



إِلَّا هُزُواً هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ۞ إِنَّ كَادَ لِيُضِلَّنَا عَنْ

إلا هزو. "آیا اینست آنکه فرستاده الله اورا رسولی" \* "نزدیک بود کندگمراه مارا از

إِلَهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۖ وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرُونَ

معبودان ما اگر که نمیگردیم صبرما بر آنها." و زود می فهمند حینیکه ببینند

الْعَذَابِ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ۞ أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ ۖ

عذاب راه، کیست گم از راه \* آیا میبینی آنراکه کرده اخذ اله خود، هوای خودرا.

أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا<sup>۴۳</sup> أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ

آیاتو بوده میتوانی براو وکیلی \* آیا میکنی حساب که اکثر آنها میشنوند

أَوْ يَعْقِلُونَ<sup>ط</sup> إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا<sup>۴۴</sup> أَلَمْ

یا میکنند تعقل. نیستند اینها. <sup>ط</sup>إِنْ هُمْ إِلَّا مثل چهار پایان بلکه هستند گم گشتگان از راه \* آیا نه

تَرَىٰ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ<sup>ج</sup> وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا

دیدى برب خود، چطور تمديد كرد سایه را.<sup>۱</sup> و اگر خواهد میسازد آنرا ساکن. باز ساختیم

(۱) در تورات است که اول همه جا تاریکی حکم فرما بود.

الشَّمْسِ عَلَيْهِ دَلِيلًا<sup>٤٥</sup> ثُمَّ قَبْضُنْهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا<sup>٤٦</sup> وَهُوَ

شمس را برآن دلیلی \* باز قبضه کردیم آنرا نزد خود قبضه آسان \* و اوست

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ

آنکه ساخت برایشما شب را لباسی و خواب را راحتی و ساخت روز را

نُشُورًا<sup>٤٧</sup> وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ<sup>ج</sup>

نشوری \* و اوست که ارسال کرد باد را بشارتی پیش دست رحمت خود.

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا<sup>٤٨</sup> لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ

و نازل کردیم از آسمان آب با طهارت را \* تادهیم حیات با آن زمین مرده را و کنیم سقایه با آن

مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْعَامًا كَثِيرًا<sup>٤٩</sup> وَلَقَدْ حَرَّفْنَا بَيْنَهُمْ

آنچه خلق کردیم انعام و مردمان کثیر \* و یقیناً صرف کردیم آنرا بین آنها

لِيَذْكُرُوا<sup>٥٠</sup> فَابَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا<sup>٥٠</sup> وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي

تا شوند متذکر. مگر اباء کرد اکثر مردم الا بکفران \* و اگر میخواستیم میکردیم بعث در

كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرٌ ۝۵۱ فَلَا تُطِيعُ الْكُفْرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِجِهَادٍ كَبِيرٍ ۝۵۲

كل قريه ها نذیری \* پس مشو مطیع کافران و جهاد کن با آنها جهاد کبیر \*

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا امِلٌّ اُجَابٌ ۝۵۳

و اوست آنکه آمیخت دو بحر را، این یک شیرین و فرح بخش و این یک نمکی و تلخ.

وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا ۝۵۴ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنْ

و ساخت بین آن دو برزخی و حجرا محجوراً \* و اوست آنکه خلق کرد از

الْمَاءِ بَشْرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَوَصْهْرًا<sup>٥٤</sup> وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا<sup>٥٤</sup> وَيَعْبُدُونَ

آب بشر را بازساختش با نسب و رشتۀ. و هست رب تو قدیر\* و میکنند عبادت

مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ<sup>٥٥</sup> وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ

بدون الله آنچه نکند نفع به آنها و نه ضرر به آنها. و هست کافر بر علیه رب خود

ظَهِيرًا<sup>٥٥</sup> وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا<sup>٥٦</sup> قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ

ظهير<sup>١</sup>\* و نکرديم ارسال ترا إلا مبشری و نذیری\* بگو نيستم سائل از شما بر آن

(۱) کافر کوشش دارد که ایمان بر الله و ایمان بر حق را از بین ببرد، از الله منکر و باکافران همدست است.

مِنْ أَجْرِ الْأَمْرِ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ

کدام اجری الا هر که خواهد که گیرد بسوی رب خود سبیلی \* و توکل کن بر

الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ ط وَكَفَىٰ بِهِ ذُنُوبًا عِيبًا

حیّ که ندارد موت و سبحان بگو بحمدش. و کافیت که باشد بر گناهان بندگانش

خَيْرًا ﴿٥٨﴾ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

خیر \* آنکه خلق کرده سماوات و زمین و مابین آنها را در شش ایام

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَلُّ بِهِ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾ وَإِذَا قِيلَ

باز استوای شد بر عرش. راجع برحمان سؤال کن از خبیری \* و چون بگوئی

لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَ

برایشان سجده کنید به رحمان میگویند و چیست رحمان. بکنیم سجده بآنچه میکنی امر و

زَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ

میافزاید بنفرت آنها ﴿۶۰﴾ برکت باراست آنکه ساخت در آسمان بُرجها و ساخت

(۱) استوای: مستولی شد یا غالب شد، "اختیار عرش را بدست گرفت".



فِيهَا سِرْجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ﴿٦١﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً

آنجا آفتاب و قمر منیری \* و اوست آنکه ساخت لیل و نهار را پیهم

لَسِنٌ أَرَادَ أَنْ يَدَّكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ

بآنکه دارد اراده که کند ذکر یا دارد اراده شکری \* و عباد رحمان اند آنانکه

يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا

میگردند بر زمین به تواضع و هرگاه خطاب کند آنها را جاهلان میگویند

سَلَامًا ۶۳ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ۶۴ وَالَّذِينَ

سلام \* وآنانکه میکنند شبخیزی برای رب خود بسجده و قیاماً \* و آنانکه

يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ

میگویند رب ما بگردان از ما عذاب جهنم را. یقیناً عذاب آن است

غَرَامًا ۶۵ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ۶۶ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا

گرامت گیر \* یقیناً آن است بد مستقر و مقامی \* و آنانکه چون دهند نفقه

لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾ وَالَّذِينَ

نکنند اسراف و نکنند تنگدستی و دارند بین این قوامی<sup>۱</sup> \* و آنانکه

لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ

نکنند دعا همراهی الله اله دیگری و نمی کنند قتل نفسی را که حرمت کرده

اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَعِفُ

الله إلا بحق و نمی کنند زنا. و هر که کند فعل چنان بیافتد به گناه \* دوچند

(۱) قوام: غلظت، طرز رفتار، طور پیش آمد، درجه اعتدال (رفتار معتدل)

لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ

برایش عذاب يوم قیامت و میکند خلد آنجا بذلت \* إلا آنکه توبه کند

وَأَمَّنْ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ

و ایمان آرد و عمل کند عمل صالح پس آنهارا کند بدل الله گناهان آنهارا بحسنات.

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ

و هست الله غفور رحيم \* و هر که کند توبه و عمل صالح یقین او شده تائب

إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الشُّرُورَ لِأَمْرٍ وَإِلِاللَّغُورِ

نزد الله توبه گار\* و آنانکه ندهند شهادت دروغ و چون بگذرند بر لغوی

مُرُوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوْا عَلَيْهَا

بگذرند با کرامت\* و آنانکه چون متذکر شوند آیات رب خود را نمی افتند بر آن

صَبًا وَعُمِيَانًا ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا

کر و کور\* و آنانکه میگویند رب ما هبه ده بما از ازواج ما

وَذُرِّيَّتَنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ ۖ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ أُولَٰئِكَ

و فرزندان ما خوشی چشمان و بساز مارا برای متقیان امامی \* آنها را

يُجْرُونَ الْغُرَّةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾

باشد پاداش غرفه چون صبر کردند و شوند ملاقی آنجا به تحیت و سلام \*

خُلْدِينَ فِيهَا حَسَنَاتٌ مُّسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾ قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ

خلد کند آنجا. حسین مستقری و مقامی \* بگو چه پرواست بشما

رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ۗ<sup>ع</sup>  
⑦۷

ربم را گر نباشد دعای شما. بس تکذیب کردید پس زود میگردد لازم بر شما \*